

Exchange and Reproduction of Political Discourse of Eighth A.H in Hafiz's Divan*

Mohammad Keshavarz (Beizaei)¹ 

Abstract

1. Introduction

A work of art is the production of exchanges and interactions among creator, collective sources, simple and complex network of traditions, discourses and historical, social and political institutions. So, Hafiz's Divan could be considered as an area for interactions and exchanges as well as discourses, traditions, political and social activities of Iranian society which transcends cultural and historical texts and boundaries with continuous dynamism. Modern historicism is a new approach in the study of historical and literary texts dating back to the second half of the nineteenth century. This neo-historicist approach is appropriate for the classical literary and historical works while it explains the various aspects and forms of collective sources, traditions and the system of domination in the reproduction of the system of power. To the extent that the creators are interacted with the political structure or system and power, they provide a clearer image of the complex layers and sources, traditions and the dominant historical and cultural discourses.

* Article history:

Received 26 September 2021

Received in revised form 2 February 2022

Journal of Iranian Studies, 21(41), 2022

Accepted 20 February 2022

Published online: 28 June 2022

Publisher: Shahid Bahonar University of Kerman



© The Author(s).

1. Assistant Professor, Department of Islamic Theology, Boushehr Medical Science University, Boushehr, Iran. Email: mkeshavarz_59@yahoo.com

Hafiz is a poet who interacts with authority and this issue can be traced in symbolic and general readings of his poems. Recognizing the relationship of the political discourses of the eighth century AH and Hafez's poetry as well as the exchanges, interactions and reproduction in his divan and the study of its aspect in his Divan, it is easy to understand the political discourses of the very period and to explain the role of these discourses in shaping the relationship between text and history meaning the effect and context of its production.

2. Methodology

This study tends to examine social and political discourses of Hafiz's era, interactions and reproductions of those discourses and the extent of its reinforcement and rejection in his Divan with a descriptive-analytic method using new historical approach.

3. Discussion

One of the important issues of neo-historicism is the flow of discourses between the different texts. According to Foucault's point of view, any power system creates its own "truth regime", and the literary and cultural texts of any period are either influenced by this regime and consolidating it, or dream of changing it. In other words, either part of the "hegemonic" system is ruling or the other in opposition to it (Milani, 2001: 9). Hafiz had a huge interest in short and hasty period of Al-Inju's rule and its pleasant hegemony has extended the scope of ancient discourse of this dynasty to Hafez's poetry. Based on the ancient Iranian discourse of Al-Inju, Hafiz seeks for a wise and just king. Hafez's poetry does not concern with the asceticism and worship of the king, but what becomes relevant is the justice of the king. Hafiz showed special interest in the reproduction of the principles of the Abbasid Sharia-based discourse after the fall of Alaijo's government by Amir Mobarz al-Din Mozaffari (Shabankarei, 2002: 2/316). Hafiz was not happy about the assassination of his beloved Sultan, Shah Abu Ishaq, by Amirz Mobarez, as well as his strict actions in the matter of Sharia (Samarkandi, 1383: 293; Katabi, 1364: 64). As with the symbolic title of Muhtasib, which is a representation of the character of Amir Mobarez Mozaffari, Hafiz shows his opposition to his dogmatic discourse in various ways. With the death of Amir Mobaraz al-Din Mozaffari, the intensity of his Shari'a-like discourse was adjusted by

his son Shah Shoja 'and his sons, and they adopted a gentle and tolerant policy in this very regard. In Hafez's divan, there are signs of modification of this matter based on the reproduction of the discourse of the brave king and his children. With the weakness and decline of the Mozaffari dynasty and the continuation of bloody conflicts and social and economic disorders, their Shari'a discourse also declined and the focus turned to the discourse of the new and powerful power emerging from Transoxiana and represented by a person named Timur Lang. Towards the end of his life, Hafez, in despair of reproducing Mozaffari's Shari'a discourses and the emerging Turkic discourse in establishing security, again, in a general and implicit way, expressed his desire to fulfill Khosravi's discourse.

4. Conclusion

Hafez's Divan welcomes the Khosravi and Iranian discourse of Al-Inju and strengthens its discourse foundations by using elements, concepts and symbolic historical and literary symbols. With the overthrow of Khosravani Al-Inju's discourse by Amir Mobarzaldin Mozaffari and the creation of his dogmatic discourse, Hafez's court rises to conflict and confront it by producing the symbolic element of the preacher in a network of negative associations. However, with the modification of Mozaffari's Shari'a's discourse by the sons of Amir Mubarz al-Din, that is, the brave Shah and his sons, a text is provided for the exchange and proximity of Mozaffari's Sharia's discourse and Khosravi's discourse, and its scope is extended to Hafez's court. Subsequently, with the weakening and decline of Mozaffari's discourse, this discourse provides the arena for the reproduction of the Turkish-oriented discourse represented by Timur Lang. Finally, with Hafez's despair at the end of his life from the Turkic discourse, in organizing the turbulent and unsettled situation of the time, his desire to revive Khosravi's discourse, which oversees Hafez's youth, is reproduced.

Keywords: Political Discourses, Modern Historiography, Eighth Century, Hafez's Divan, Interaction, Exchange.

How to cite: Keshavarz Beyzaei, M. (2022). Exchange and Reproduction of Political Discourse of Eighth A.H in Hafiz's Divan. *Journal of Iranian Studies*, 21(41), 467-494. <http://doi.org/00000000000000000000>

تبادل، تعامل و بازتولید گفتمان‌های سیاسی قرن هشتم هجری در دیوان حافظ شیرازی*

محمد کشاورز (بیضایی)^۱

چکیده

اثر هنری محصول تبادل، تعامل میان خالق اثر با منابع جمعی و شبکه‌هایی بسیط و پیچیده از سنت‌ها، گفتمان‌ها و نهادهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی است. دیوان حافظ، چونان مینیاتوری ظریف و هنرمندانه، نمونه بارزی از بازنمایی، بازتولید گفتمان‌ها و عناصر سیاسی قرن هشتم هجری است که بررسی ابعاد و زوایای آن می‌تواند، افزون بر شناخت گفتمان‌های سیاسی این دوره، نقش این گفتمان‌ها را در شکل‌بخشی به روابط متن و تاریخ، تشریح و تبیین نماید. این جستار با روشی تحلیلی-توصیفی و استعانت ممکن از رویکرد تاریخ‌گرایی نو، گفتمان‌های سیاسی عصر حافظ، چگونگی تعامل و بازتولید این گفتمان‌ها، همچنین میزان تقویت و طرد آن در دیوانش را در کانون توجه خود قرار داده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که گفتمان‌هایی نظیر: گفتمان خسروانی و ایرانی آل اینجو، گفتمان شریعت‌محور آل مظفر، همچنین گفتمان ترک‌مدارانه تیمور، از زمره گفتمان‌های مسلط و غالب قدرت در عصر حافظ می‌باشند که در دیوان وی با شبکه‌های از عناصر، نمادها، دال‌ها و مدلول‌های شناور بازتولید شده‌اند. دیوان حافظ سواى دوران سلطنت امیر

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۰۴ تاریخ ویرایش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

DOI: 10.22103/JIS.2022.18279.2225

مجله مطالعات ایرانی، سال ۲۱، شماره ۴۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص ۴۶۷-۴۹۴

ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی

حق مؤلف © نویسندگان



۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، بوشهر، ایران. رایانامه: mkeshavarz_59@yahoo.com

مبارزالدین مظفری غالباً ساختی نمادین و تقویت‌بخش به گفتمان‌های سیاسی آل اینجو و حاکمان مظفری است. چنانچه بازتولید نام محتسب، با شبکه‌ای از تداعی‌های منفی، استعاره‌ای انتشار یافته از تقابل با گفتمان جزمی گرایانه این امیر مظفری است. حافظ در پایان عمر با افول و فروپاشی خاندان مظفری و گفتمان آنان، به گفتمان مسلط و ترک‌مدارانه تیموریان اقبال نشان داده؛ اما با ناسامانی دوباره اوضاع زمانه و ناامیدی از گفتمان ترک‌مدارانه، آرزوی تحقق گفتمان خسروانی قدرت را، باری دیگر در دیوانش تقویت نموده است.

واژه‌های کلیدی: گفتمان‌های سیاسی، تاریخ‌گرایی نوین، قرن هشتم، دیوان حافظ. تعامل، تبادل.

۱. مقدمه

دیوان حافظ شیرازی، عرصه تعامل و تبادل و در عین حال انتقال بخش قابل توجهی از گفتمان‌ها، سنت‌ها، و کنش‌گری‌های سیاسی، اجتماعی جامعه ایرانی است که متن‌ها و مرزهای فرهنگی و تاریخی را در نور دیده و به پویایی آن استمرار بخشیده است.

تاریخ‌گرایی نوین، رویکرد جدید و تازه‌ای در مطالعات متون تاریخی و ادبی است که سابقه پیدایش آن به نیمه دوم قرن نوزدهم می‌رسد. کاربرد تاریخ‌گرایی نو در آثار کلاسیک ادبی و تاریخی، ابعاد و اشکال گوناگونی از منابع جمعی، از سنت‌ها و نظام سلطه را در بازتولید نظام قدرت تبیین و تشریح می‌نماید. به همان اندازه که خالق این آثار به ساختار و نظام سیاسی و قدرت، در تعامل باشند، تصویر روشن‌تری از لایه‌ها و منابع پیچیده، سنت‌ها و گفتمان‌های مسلط تاریخی و فرهنگی را ارائه می‌دهند.

حافظ از زمره شاعرانی است که با ساحت قدرت تعامل داشته و خوانش‌های نمادین و کلی از آن را در اشعارش بازتولید نموده است. به عبارتی دیگر شعر حافظ به مثابه جزیره‌ای برآمده از اقیانوس موج و پرتلاطم تاریخ ایرانی، موقعیت تاریخی و فرهنگی جامعه ایرانی را در شبکه‌های مرئی و نامرئی جغرافیای رازآلود و سحرانگیزش، توسعه بخشیده است.

چیدمان گفتمان‌های سیاسی قدرت در قرن هشتم، چگونگی و چرایی تبادل و تعامل دیوان شعری حافظ با این گفتمان‌ها، موضوع قابل درنگی است که چندان به آن پرداخته

نشده است. رویکرد تاریخ‌گرایی نوین و برخی رهیافت‌های مربوط به آن، در کنار رویکرد تحلیل محتوی و تحلیلی توصیفی می‌تواند ابعاد و اشکال مربوط به این مسأله را تبیین نماید.

۱-۱. پیشینه پژوهش

آنچه در خصوص پیشینه پژوهش حاضر شایان ذکر است، این است که درباره گفتمان‌های سیاسی قرن هشتم و یا پیرامون آن تحقیقات چندی صورت گرفته است که برخی از آن از این جمله‌اند: پژوهش «تعامل فرهنگ‌های ایرانی، اسلامی و ترکی در شیراز سده هشتم و نهم هجری»، نوشته یعقوب آژند در سال ۱۳۸۸ انجام شده که مبین تعامل و روابط فرهنگ‌های ایرانی، اسلامی و ترکی در شیراز قرن هشتم و نهم قمری است. مقاله «خاستگاه‌های اقتدار و مقبولیت اجتماعی سلسله آل اینجو، ۷۵۴-۷۲۵ ه.ق.» از علی بحرانی‌پور و سیده زهرا زارعی در سال (۱۳۸۹) به آبشخورها و خاستگاه‌های اقتدار و مشروعیت اجتماعی سلسله آل اینجو؛ و مقاله «نقش آل مظفر در تمدن اسلامی» از تهمینه رئیس‌السادات و دیگران در سال (۱۳۹۰) به نقش و جایگاه آل مظفر در تمدن اسلامی و دستاوردهای آن پرداخته‌اند. مقاله «بررسی نقاط ضعف و قوت خوانش غزلی از حافظ طبق رویکرد تاریخ‌گرایی قدیم» از حسین فتحی در سال (۱۳۹۱)، غزلی از حافظ را با رویکرد تاریخ‌گرایی قدیم مورد بررسی قرار داده است. همچنین مقاله «بررسی بنیان‌های مشروعیت حکومت آل مظفر» از هوشنگ خسروبیگی و مژگان صادقی‌فرد در سال (۱۳۹۷) به ریشه‌ها و بنیان‌های مشروعیت آل مظفر و مقاله «تحلیلی بر معرفت تاریخی حافظ»، از محمد کشاورز بیضایی و فرود کشاورز بیضایی در سال (۱۳۹۸) به بررسی زمینه‌ها و عوامل معرفت و شناخت تاریخی حافظ، پرداخته‌اند. با این همه این آثار به گفتمان‌های سیاسی قدرت در شعر حافظ؛ خصوصاً از منظر رویکرد تاریخ‌گرایی نوین، نپرداخته‌اند و راه را برای بررسی‌های مستقل و جداگانه، باز گذاشته‌اند. از این رو جستار حاضر درصدد پاسخ به سوالات ذیل برآمده است:

۱- دیوان حافظ چه گفتمان‌هایی از قدرت سیاسی را در خود بازتولید نموده است؟

۲- تعامل و وجه کنش‌مندی شاعر در برابر این گفتمان‌ها به چه گونه است؟

۳- ارتباط میان ستایش و ذمّ حاکمان و عوامل قدرت در دیوان حافظ با گفتمان‌های

موجود در چیست؟

۴- دیوان حافظ چه گفتمان‌هایی از قدرت را تقویت، و چه گفتمان‌هایی از آن را طرد

می‌نماید؟

به نظر می‌رسد که گفتمان سیاسی آل اینجو مبنی بر احیای سلطنت ایرانی و باستانی ساسانیان در راستای تثبیت مشروعیت، همچنین تجدید گفتمان سیاسی شریعت‌مدار خلافت عباسیان از ناحیه آل مظفر و در نهایت انتظار تحقق گفتمان سیاسی ترک‌محور که نماینده آن در این زمان تیمور لنگ بود از زمره گفتمان‌های سیاسی قدرت در قرن هشتم هجری است، که در دیوان حافظ شیرازی ظهور و بروز یافته و خواجه شیراز در قالب ذمّ و مدح و یا به شکلی هنری آن را در دیوانش بازتولید نموده است. همچنین حافظ کنش‌مندی خود را نسبت به گفتمان‌های سیاسی یاد شده در ساحت قدرت به گونه‌ای هنرمندانه در اشکال تبادل، تعامل و تقابل، تعدیل و تنظیم نموده است.

۱- ۲. ضرورت، اهمیت و روش پژوهش

شناخت نسبت گفتمان‌های سیاسی قرن هشتم هجری با شعر حافظ و چگونگی تبادل، تعامل و بازتولید آن در دیوان وی، نیز بررسی ابعاد و زوایای آن، می‌تواند؛ افزون بر شناخت گفتمان‌های سیاسی این دوره، نقش این گفتمان‌ها را در شکل‌بخشی به روابط متن و تاریخ، یعنی اثر و زمینه تولید آن، تشریح و تبیین نماید. از این رو، این جستار با روشی تحلیلی توصیفی و استعانت ممکن از رویکرد تاریخ‌گرایی نو، گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی عصر حافظ، چگونگی تعامل و بازتولید این گفتمان‌ها، همچنین میزان تقویت و طرد آن در دیوانش را مورد بررسی قرار داده است.

۱- ۳. چارچوب نظری

تاریخ‌گرایی نو، رویکرد بدیع و تازه‌ای بود که در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰م. و اواخر دهه ۱۹۸۰م. در برابر رویکرد تاریخ‌گرایی قدیم که به مطالعه آثار ادبی با توجه به بسترها و پس

زمینه‌های آن می‌پرداخت سر برآورد. نماینده و بانی این جریان، استفان گرین بلات (Stephen Greenblatt) بود که در بررسی‌ها و نوشته‌های خود درباره «رنسانس»، این اصطلاح را معرفی نمود. هر چند وی ترجیح می‌داد از اصطلاح بوپتیکای فرهنگی (cultural poetics) بهره ببرد تا این را نشان دهد که ادبیات و هنرهای دیگر، منفک از دیگر اشکال فعالیت‌های اجتماعی نیستند که در طی تبادل و تعاملی پیچیده، فرهنگ عمومی یک دوره را می‌سازند (Abrams, 2005: 195).

یکی از موضوعات مهم و مورد توجه تاریخ‌گرایی نو، جریان گفتمان‌ها در یک متن و میان متون مختلف است. همان‌طور که یک متن می‌تواند در جامعه جریان داشته باشد، می‌تواند در خدمت جریان گفتمان مشخصی نیز باشد. برای مشاهده و تجسم جریان یک گفتمان در عصر یا دوره‌ای خاص، نه تنها باید در حضور آن در متون ادبی؛ بلکه در حضور آن در دیگر متون و فرآورده‌های فرهنگی نیز دقت کرد. بر این مبنا شیوه برخورد تاریخ‌گرایی نو با متون ادبی و غیر آن همسان است. هر متنی صرفاً منعکس‌کننده شرایط فرهنگی جامعه نیست؛ بلکه بر آن تأثیرگذار نیز هست (میرزابابازاده فومشی و خجسته‌پور، ۱۳۹۴: ۱۷۲). تاریخ‌گرایان نو، با استعانت از افکار فوکو بر این باورند که می‌توان قدرت در گفتمان را برای رسیدن به نوعی پویایی و منازعات برای بقایای عناصر فرهنگی مطالعه نمود. همچنین نمودهای گفتمان قدرت با تبادل کالاهای بی‌پایان مادی، امکان اشاعه‌ی تبادل افراد و گفتمان‌های گوناگون را فراهم می‌نماید (تایسن، ۱۳۸۷: ۴۷۲). از منظر فوکو با وجود قدرت انسان در خلق معنی، توانمندی وی برای تفکر و انجام دادن همزمان محدود است؛ چراکه مابین آنچه فکر می‌کنیم و آنچه انجام می‌دهیم شکاف و فاصله وجود دارد. این فاصله منتج از قدرت روابط حاکم در جامعه است. فوکو همچنین گفتمان را محدود به یک معنا و یا حقیقت نمی‌کند؛ بلکه آن را به مثابه تاریخ یا دوره‌ای خاص قلمداد می‌کند (Rabino, 1985: 127). تاریخ برای فوکو محصول روابط پیچیده درون گفتمان‌های متفاوت هنری، اجتماعی، سیاسی، علمی و غیره است. اصطلاح گفتمان در اینجا به عنوان

ساختاری زبانی است که از زبان فراتر می‌رود و تمام عناصر فرهنگی را دربر می‌گیرد (Bressler, 1994: 131).

در تاریخ‌گرایی نو، اشکال ادبی استعاراتی اساسی از کل جامعه به شمار می‌روند (پین، ۱۳۸۶: ۲۱۴). به عبارتی دیگر اثر ادبی برآمده از فرهنگی خاص با نظامی از نشانه‌ها یا رمزگان موجود در بافت یا زمینه فرهنگی است. تاریخ‌گرایی جدید، جدایی و انفکاک ادبیات و زمینه‌ی فرهنگی و اجتماعی آن را باطل می‌شمارد. از این منظر تاریخ‌گرایی نو آثار ادبی را واجد موقعیت تاریخی می‌داند و بر تاریخی بودن متون و متنی بودن تاریخ تأکید دارد. تاریخت متون بیانگر آن است که نوشته‌ها در شرایط اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی خاصی خلق شده‌اند و منتیبت تاریخ‌گویای آن است که نفس تاریخ را می‌توان، در قالب مجموعه‌ای از بازنمایی‌های در معرض تأملات، بازگزارش‌ها و تأویل‌های گوناگون درک نمود (پین، ۱۳۸۶: ۲۱۴). بنابراین از این منظر، گذشته هیچ‌گاه نمی‌تواند در شکل ناب و دست نخورده آن در دسترس ما باشد؛ دسترسی ما به گذشته فقط از طریق بازنمایی (representation) امکان‌پذیر است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. دیوان حافظ شیرازی و موقعیت تاریخی

از منظر تاریخ‌گرایی نو هر متن و اثری؛ حتی ادبی و هنری، تاریخی و واجد موقعیت تاریخی است. این آثار در عین حال استعاراتی اساسی از کلیت جامعه و ساختار اجتماعی، تاریخی و اقتصادی آن به شمار می‌روند. دیوان حافظ شیرازی نیز همانند دیگر آثار ادبی مهر و نشانه تاریخی بودن را بر پیشانی خود دارد و در موقعیت تاریخی و فرهنگی قرن هشتم هجری خلق شده است. این اثر سترگ شعری به مثابه استعاره‌ای اشاعه یافته از وضعیت و موقعیت جامعه و تاریخی ایرانی است که دوش به دوش تاریخ آن، رسالت پویایی جامعه ایرانی را قرائت و بازنمایی نموده است.

۲-۲. گفتمان‌های سیاسی قرن هشتم در شعر حافظ شیرازی

در هر دوره‌ای گفتمان‌های خاصی مسلط هستند و رویدادهای تاریخی بر حسب آن گفتمان‌ها بازتفسیر می‌شوند. انسان‌ها در هر دوره‌ای مطابق با «شناختمان» همان دوره فکر می‌کنند و سخن می‌گویند؛ در غیر این صورت افکار و سخنانشان نابهنجار قلمداد می‌شود (پاینده، ۱۳۹۷: ۱۵). با اضمحلال حکومت ایلخانان در ایران (۷۳۶ ه.ق)، و خلاء قدرتی که به دنبال آن شکل گرفت، مدعیان و دسته‌های مختلف از خاندان‌های مغولی و اشراف محلی تا حکومت‌هایی نظیر آل اینجو و آل مظفر که حاکمان تحت حاکمیت ایلخانان بودند برای اثبات شایستگی خویش به بهره‌گیری از منابع مشروعیت قدرت و در اغلب موارد بازنمایی و بازتولید گفتمان قدرت در حکومت‌های گذشته روی آوردند.^۱ زندگی و شعر حافظ در قرن هشتم که مقارن با سلسله‌های آل اینجو و آل مظفر و در اواخر ظهور تیمور، در شیراز بود از این تحولات بی‌تأثیر نماند و گفتمان‌های جاری و حاکم قدرت در شیراز عصر حافظ در شعر وی نیز مجال بروز یافت. به طوری که در برخی غزل‌های حافظ، با اشارات و نمونه‌های صریح و گاه دوری از بازتولید گفتمان‌های حاکم و کنش‌مندی در برابر آن مواجه هستیم. در اینجا به گفتمان‌های سیاسی قدرت در قرن هشتم هجری، که در شعر حافظ وارد شده‌اند و همچنین نحوه کنش‌گرایی حافظ نسبت به این گفتمان‌ها در اشعارش می‌پردازیم.

۲-۳. حافظ و گفتمان خسروانی و ایرانی آل اینجو

یکی از گفتمان‌های سیاسی قدرت در عصر حافظ، گفتمان سیاسی احیای سلطنت ایرانی دوره ساسانیان در دوران حکومت شیخ شاه ابواسحاق اینجو بود. شیخ ابواسحاق اینجو پس از غلبه بر مدعیان قدرت و استقرار حکومت خود در شیراز، سیاست احیای سلطنت باستانی و ایرانی ساسانیان را در اولویت اقداماتش قرار داد. اقدام به احیای سلطنت باستانی ساسانیان که در راستای کسب مشروعیت قدرت آل اینجو بود در منابع این دوره نیز بازتاب یافته است. چنانچه ابن بطوطه در مشاهدات سفرنامه خود در طی سفر به شیراز از مراحل آغازین ساخت بنایی باشکوه به نام طاق کسری سخن به میان می‌آورد. هر چند ساختن این بنا، با تسلط امیر مبارزالدین مظفری بر شیراز و سقوط سلسله آل اینجو ناتمام

ماند؛ با اینهمه گزارش ابن بطوطه مبنی بر اهتمام شاه ابواسحاق به ساختن این بنای عظیم، مشارکت و شور و شوق خیره‌کننده اهالی شیراز در ساختن این بنا حاکی از اهمیت گفتمان سیاسی آل اینجو در احیا و بازنمایی شکوه و عظمت حکومت ساسانیان و استقبال عمومی شیرازیان از این امر است. ابن بطوطه در این باره در سفرنامه‌اش می‌نویسد:

«شاه ابواسحاق تصمیم گرفته بود ایوانی نظیر ایوان کسری بنا کند لذا فرمان داد که مردم شیراز پایه بنا را بکنند. مردم آن شهر در اجرای فرمان به جنب و جوشی بزرگ برخاستند. هر یک از طبقات می‌کوشیدند که در این کار سهم بیشتری داشته باشند و کار هم‌چشمی به جایی رسید که زنبیل‌های بزرگ چرمین برای خاکبرداری درست کردند و آن سبدها را با پارچه‌های ابریشمی زربفت پوشانیدند. حتی از این نیز گذشته پالانها و خرجین‌های دواب را به طرز مزبور می‌آراستند و برخی کلنگها از نقره درست کرده بودند... شاه ابواسحاق از جایگاه مخصوص خود عملیات مردم را نظاره می‌کرد. من خود این بنا را دیدم که در حدود سه ذراع از زمین بالا آمده بود ...» (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۸/۲۵۸).

از جمله اقدامات دیگر شیخ ابواسحاق در جهت تقویت گفتمان سیاسی و ایرانی باستان، تذهیب شاهنامه‌ی فردوسی^۲، اقدام به حک کردن چند کتیبه به سبک پادشاهان ساسانی (بحرانی‌پور و زارعی، ۱۳۸۹: ۴۰-۳۹) و در عین حال انتخاب پیشوند شاه در آغاز نامش شاه ابواسحاق اینجو است. در هر حال دامنه گفتمان سیاسی آل اینجو تنها به محدوده سیاسی و اجتماعی محدود نماند و در متون ادبی این دوره، نظیر: دیوان حافظ شیرازی، اشعار عبید زاکانی نیز تسری یافت. آنگونه که از برخی از اشعار حافظ استنباط می‌شود، وی در قالب مدح و یا به شکلی کلی به انتشار مبانی سیاسی گفتمان آل اینجو توجه نشان داده و در تقویت‌بخشی و بازتولید برخی از عناصر و اجزای آن یاری رسانده است.

البته باید در نظر داشت شیخ ابواسحاق و وزیرانش از حامیان و مشوقان هنرمندان و شاعران این دوره، نظیر: حافظ شیرازی، عبید زاکانی بودند. حافظ با شیخ ابواسحاق مناسبات نزدیکی داشته و از علاقمندان وی به شمار می‌رفته است. وی همچنین در شعر

ذیل با حسرت، از ایام درخشش فرمانروایی شاه ابواسحاق بر شیراز سخن به میان آورده و از آن دوران به خوبی و خوشی یاد نموده است:

راستی خاتم فیروزه ابواسحاقی خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود
(حافظ، ۱۳۹۴: ۲۰۷/۱۹۹).

از دیدگاه فوکو، هر نظام قدرتی «رژیم حقیقت» ویژه خود را خلق می‌نماید و متون ادبی و فرهنگی هر دوره یا از این رژیم متأثر هستند و آن را قوام می‌بخشند، یا خیال دگرگونی و تغییر آن را در سر می‌پرورند. به عبارتی دیگر یا بخشی از دستگاه «هژمونی» حاکم هستند و یا در تقابل با آن (میلانی، ۱۳۸۰: ۹). علاقمندی و تعلق خاطر حافظ به دوران کوتاه و مستعجل حکومت آل اینجو و هژمونی دلپذیر آن، دامنه گفتمان خسروانی و باستانی این سلسله را به شعر حافظ نیز کشانده است. حافظ به تأسی از گفتمان ایران باستانی آل اینجو، خواهان یک شاه فرهمند و دادگر است. در شعر حافظ زهد و عبادت شاه برای حافظ چندان موضوعیتی ندارد و آنچه موضوعیت می‌یابد عدل و داد پادشاه است:

شاه را به بود از طاعت صد ساله و زهد قدر یک ساعته عمری که در او داد کند
(حافظ، ۱۳۹۴: ۱۹۰/۱۹۰).

لازم به ذکر است پس از فروپاشی سلسله ایلخانیان (۷۳۶ه.ق)، گرایشی در نخبگان جامعه ایجاد شد که به احیای نام ایران زمین و گفتمان سیاسی آن می‌پرداخت. نمونه بارز آن رویکرد و منظومه فکری شیخ شهاب‌الدین سهروردی بود. وی به تأسی از جاماسب حکیم زروانی عهد ساسانی، اصل کائنات را «نور قادر» می‌دانست. این منظر به مثابه‌ی مبنای حکمت اشراق حکمت خسروانی را با حکمت نوافلاطونی درآمیخت و در فرهنگ ایرانی دوران مغول به بعد پیروان بسیاری یافت (زرین کوب، ۱۳۷۷: ۱۲۵). آل اینجو برای کسب مشروعیت سیاسی، خود را در کتیبه‌ها «سلاطین عجم» معرفی می‌کردند و مشروعیت خود را در پادشاهان بزرگی چون جمشید و شاهان مقتدر و بزرگی چون سلیمان نبی (ع) می‌جستند. آنان همچنین با تأکید بر لقب «سلطان‌العادل» که صفت اصلی پادشاهان باستان بود خود را تداوم‌دهنده سنت‌های پادشاهی عجم (فارسی زرتشتی) قلمداد می‌کردند

(بحرانی پور و زارعی، ۱۳۸۹: ۴۰-۳۹). آل اینجو همچنین با تأسی و تابعیت از اتابکان سلغری که خود را در فارس «وارث ملک سلیمان» قلمداد می‌کردند (Limbert, 2004: 22) با حک کردن کتیبه‌هایی در تخت جمشید خود را به این نام و افزون بر آن جمشید اساطیری معرفی می‌کردند. آنان حتی در نامه‌ها و وسائل و ظروف درباری، با منقش کردن آن به تصویر تاج‌گذاری شاهانی که هاله‌ای از نور بر سر داشتند، در تقویت و اشاعه این گفتمان تلاش نمودند (سانتو، ۱۳۸۷: ۹۱). در کتاب انیس‌الناس که کتابی تذکره‌ای و در دوران شاه ابواسحاق اینجو به رشته تحریر درآمده است اشاراتی به صفات عدالت، توجه به گوهره افراد، همچنین آداب معاشرت و پوشش شاه دیده می‌شود که نویسنده با نسبت دادن آن به ابواسحاق و دیگر حاکمان این سلسله، به بازنمایی و بازتولید گفتمان سیاسی آنان کمک نموده است (شجاع شیرازی، ۱۳۵۶: ۲۷۸-۲۷۷). همچنین بازتولید مبانی گفتمان سیاسی و خسروانی ایران باستان و بازنمایی چهره‌ای خسروانی از شاه ابواسحاق اینجو، در متن ادبی دیگری از این دوره، تحت عنوان مثنوی «عشاق‌نامه» اثر عبیدزاکانی که از شاعران دربار شاه ابواسحاق بوده مشاهده می‌شود:

چو استاد طبیعت داد سازش	نوشتم نام خسرو بر طرازش
شهنشاه جهان دارای عالم	چراغ دودمان نسل آدم
همایون گوهر دریای شاهی	وجودش آیت لطف الهی
جم ثانی جمال دنیا و دین	ابواسحاق سلطان السلاطین
خجسته پادشاه دادگستر	جهانگیر آفتاب هفت کشور

(عبیدزاکانی، ۱۳۹۳: ۱۲۰).

این نکته حاکی از حضور گفتمان قدرت در آثاری از ایندست می‌باشد. آمیزه‌ای از این عوامل و عناصر یاد شده از گفتمان سیاسی آل اینجو، چونان مینیاتوری ظریف و هنرمندانه در بخش‌هایی از شعر حافظ ترسیم و طراحی شده و حتی تا دوره‌ی آل مظفر نیز استمرار داشته است. چنانکه حافظ در شعری که به نقل از غنی در مدح شاه منصور مظفری سروده آمیزه‌ای از گفتمان سیاسی آل اینجو را با گفتمان مظفری، بازتولید می‌نماید:

ای در رخ تو پیدا انوار پادشاهی
کلک تو بارک الله بر ملک و دین گشاده
در فکر تو پنهان صد حکمت الهی
صد چشمه آب حیوان از قطره سیاهی
بر اهرمن نتابد انوار اسم اعظم
ملک آن توست و خاتم فرمای هر چه خواهی
باز ار چه گاهگاهی بر سر نهد کلاهی
مرغان قاف دانند آیین پادشاهی

(حافظ، ۱۳۹۴: ۴۸۹/۳۶۴)

۲- ۴. حافظ و گفتمان سیاسی شریعت مدار عباسیان در حکومت آل مظفر

با سقوط حکومت آل اینجو توسط امیر مبارزالدین مظفری، گفتمان سیاسی و خسروانی آن نیز به محاق رفت و زمینه برای بازتولید گفتمان شریعت محور و خلیفه باور عباسیان، که نزدیک به یک قرن قبل توسط مغولان با سقوط خلافت عباسی، برچیده شده بود، فراهم گشت.

امیر مبارز مظفری، پس از استقرار حکومت خود در شیراز، اهتمام ویژه‌ای به بازتولید مبانی گفتمان شریعت محور عباسیان نشان داد. وی برای مشروعیت بخشی به اقداماتش، همزمان مکاتباتی دوستانه به آخرین خلیفه بازمانده و متواری عباسیان در مصر فرستاد و در عین تجلیل از وی (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲/۳۱۶)، گفتمان شریعت مدارانه‌ی خود را با ضرب سکه‌هایی که بر یک طرف آن اسامی خلفای راشدین حک شده بود، تقویت بخشید. (تصویر شماره ۱). این گرایش‌ها البته با حدت و شدت کمتری از سوی دیگر پادشاهان مظفری، چون: شاه شجاع، شاه محمود، شاه یحیی و سلطان زین العابدین ادامه یافت و مبنای مشروعیت‌زایی آنان را در کنار غلبه و قدرت شمشیر تا پایان این سلسله تداوم بخشید. امیر مبارز همچنین در مقام شاهی غازی با استعانت از فتوای عالمان و فقها، به منظور مبارزه با کفار، به سرکوبی طوایف مغولان جرماء و اوغانی که مانعی در توسعه‌ی قلمروش بودند، پرداخت. امیر مبارز در عین حال در حرکتی نمادین، تار موئی را که گفته می‌شد از پیامبر اسلام در نزد خاندان بمی است، از آنان تصاحب نمود (کتبی، ۱۳۶۴: ۶). امیر مبارز در باب تظاهر به دینداری تا جایی پیش رفت که می‌خواست قبر سعدی را نبش قبر کند و جنازه وی را آتش بزند؛ چراکه اشعار سعدی را خلاف دین و شریعت می‌

دانست. با اینهمه شاه شجاع پسرش با خواندن بیتی از سعدی وی را از این کار بازداشت (معین‌الدین نظنزی، ۱۳۸۳: ۱۵۳-۱۵۲). شدت اقدامات جزمی گرایانه و سخت‌گیرانه‌ی امیر مبارز در ترویج احکام شریعت به گونه‌ای بود که تنها علوم فقه، تفسیر و حدیث را جایز شمرد و خود نیز در مقام محتسب، مجرمان را تنبیه و حتی گردن می‌زد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۹۳؛ کتبی، ۱۳۶۴: ۶۴). این امر دهن کجی و واکنش ظرفا و هنرمندان و شاعران عصر، به اقدامات وی را به دنبال داشت. چنانچه در متون ادبی این دوره وی را با نام «محتسب» خطاب نمودند. حافظ نیز به خاطر قتل سلطان محبوبش، شاه ابواسحاق اینجو توسط امیرز مبارز و همچنین اقدامات سخت‌گیرانه‌ی وی در امر شریعت، دلخوشی از او نداشت. چنانچه با عنوان نمادین محتسب که بازنمایی از شخصیت امیرمبارز مظفری است، به اشکال مختلف تقابل خود را با گفتمان جزمی گرایانه‌ی وی نشان می‌دهد:

محتسب شیخ شد و فسق خود از یاد برد قصه ماست که در هر سر بازار بماند

(حافظ، ۱۳۹۴: ۱۷۸/۱۸۴)

اگرچه باده فرح‌بخش و باد گل‌بیز است به بانگ چنگ مخور می‌که محتسب تیز است

(همان: ۱۱۱/۴۱)

شراب خانگی ترس محتسب خورده به روی یار بنوشیم و بانگ نوشانوش

(همان: ۲۳۸/۲۸۳)

با وجود این نویسندگانی چون معین‌الدین یزدی و محمود کتبی در صدد مشروعیت بخشی دینی به وی برآمده و از اقدامات وی تمجید به عمل آورده‌اند. معین‌الدین یزدی در کتاب «مواهب‌الهیة» از وی با عناوین و القابی نظیر: «مشید مآثر الشریع المبین و مبین مناہج الحقّ المستبین و موعود المائه السابعة، مجدد مراسم الشریعه الغراء، المجتهد فی اعلاء کلمته، صاحب قران الملک والدین» یاد نموده است (معین‌الدین یزدی، ۱۳۲۶: ۱۱-۱۰، ۲۶). کتبی نیز به شکلی تلویحی وی را چون موعودی دانسته که پس از یک قرن ظهور کرده است (کتبی، ۱۳۶۴: ۶۷).

با فوت امیر مبارزالدین مظفری، شدت گفتمان شریعت مدارانه وی توسط فرزندش شاه شجاع و فرزندانش تعدیل گشت و آنان سیاست ملایمانه و مدارا طلبانه‌ای را در این راستا اتخاذ نمودند. در دیوان حافظ نیز نشانه‌های تعدیل این امر مبنی بر بازتولید گفتمان شاه شجاع و فرزندانش مشاهده می‌شود. به عبارتی دیگر اشعار حافظ در این مقطع زمانی، عرصه‌ای شناور برای بازتولید گفتمان معتدل و شریعت‌مدارانه شاه شجاع و فرزندانش در کنار پاره‌ای مفاهیم و عناصر گفتمان خسروانی آل اینجو شده است. برای نمونه حافظ در ابیات ذیل که در مدح شاه شجاع گفته از حکومت وی استقبال نموده و گفتمان سیاسی وی را بازتولید نموده است:

سحر زهاتف غییم رسید مژده به گوش	که دور شاه شجاع است و می دلیر بنوش
محل نور تجلیست رأی انور شاه	چو قرب او طلبی در صفای نیت کوش
به جز ثنای جلالش مساز ورد ضمیر	که هست گوش دلش محرم پیام سروش
رموز مصلحت ملک خسروان دانند	گدای گوشه‌نشینی تو حافظا مخروش

(حافظ، ۱۳۹۴: ۲۸۳/۲۳۸)

در شعر زیر نیز با بازنمایی آمیزه‌ای از گفتمان شریعت و گفتمان خسروانی، وی را عیار و میزان دین و شریعت دانسته و بر این باور است که وی دارای فره‌ی ایزدی است:

داور دین شاه شجاع آن که کرد روح قدس حلقه امرش به گوش

(حافظ، ۱۳۹۴: ۲۸۴/۲۳۸)

یا در شعر ذیل که به یحیی بن مظفر^۱ تقدیم نموده درگاه وی را یاری‌دهنده دین و پناهگاه اسلام و شریعت دانسته و او را پادشاهی عدل‌مدار معرفی نموده است:

دارای جهان نصرت دین خسرو کامل	یحیی بن مظفر ملک عالم عادل
ای درگه اسلام پناه تو گشاده	بر روی زمین روزنه جان و در دل
دور فلکی یکسره بر منهج عدل است	خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل
حافظ قلم شاه جهان مقسم رزق است	از بهر معیشت مکن اندیشه باطل

(حافظ، ۱۳۹۴: ۳۰۴/۳۰۷)

بدین سان، حافظ تعاملی ظریف بین دو گفتمان شریعت مدار مظفری و گفتمان خسروانی ایجاد نموده است.

۲-۵. حافظ و ارائه گفتمان قدرت ترک‌مدارانه (تیمور لنگ)

با ضعف و افول خاندان مظفری و استمرار منازعات خونین و نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی، گفتمان شریعت‌مدارانه آنان نیز رو به افول رفت و نگاه‌ها معطوف به گفتمان قدرت تازه و نیرومندی که از ماوراءالنهر سربرآورده بود و نماینده آن شخصی به نام تیمور لنگ بود شد.

تیمور از ترکان سمرقند و پادشاهی پرآوازه و کشورگشا بوده و بنا به وصیت شاه شجاع مبنی بر حمایت از جانشینی پسرش به فارس آمد. ظاهراً حافظ در شعر فوق امیدوار بوده که تیمور وضعیت نابسامان و آشفته فارس را در پی منازعات خونین شاهزادگان مظفری سر و سامان دهد. اما زمانی که خبر هجوم تیمور را به خوارزم شنیده (خیراندیش، ۱۳۸۰: ۱۴۷)، امید به تحقق این گفتمان نوظهور نیز به یأس مبدل شده و در این باره سروده است:

به خوبان دل مده حافظ بین این بی‌وفایی‌ها که با خوارزمیان کردند ترکان سمرقندی
(حافظ، ۱۳۹۴: ۴۴۰ / ۳۵۱-۳۵۰)

سرانجام در اواخر عمر، حافظ با نومیادی از بازتولید گفتمان‌های شریعت‌مدارانه مظفری و گفتمان نوظهور ترک‌مدارانه در برقرای امنیت، به شکلی کلی و تلویحی به ایام خوش جوانی خود در دوران شاه ابواسحاق اینجو پناه می‌برد و آرزوی خود را مبنی بر تحقق گفتمان خسروانی آن با اشاره به «رستم» در شعرش اینگونه ابراز می‌نماید:

سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی
زیرکی را گفتم این احوال بین خندید و گفت صعب‌روزی بوالعجب کاری پریشان عالمی
سوختم در چاه صبر از بهر آن شمع چگل شاه ترکان فارغ است از حال ما کو رستمی
(حافظ، ۱۳۹۴: ۴۷۰ / ۳۵۱-۳۵۰)

۵. نتیجه

از رهیافت تاریخ‌گرایی نوین، بازتولید گفتمان‌های سیاسی قدرت در خلال بخشی از دیوان حافظ، از همسویی ژرف ساختار نمادین و کلی آن با گفتمان‌های مسلط و غالب قرن

هشتم، پرده می‌گشاید. این رویکرد نشان می‌دهد که دیوان حافظ، نه در خلاء تاریخی و گسست از جریان‌های تاریخی، بلکه در موقعیتی تاریخی و در تبادل و گفتگو با ساحت‌های غالب گفتمانی قدرت در این دوره، یعنی گفتمان خسروانی و ایران‌گرایانه آل اینجو، گفتمان شریعت‌محورانه آل مظفر و گفتمان ترک‌مدارانه تیمور به مثابه قدرتی نوظهور در اواخر عمر حافظ، خلق شده‌اند. در واقع دیوان حافظ شبکه گسترده و شناوری از بازنمایی، بازتولید، تعامل و تبادل و در عین حال تقویت و یا به حاشیه راندن برخی گفتمان‌های قدرت است.

دیوان حافظ از گفتمان خسروانی و ایرانی آل اینجو استقبال و مبانی گفتمانی آن را با استعانت از عناصر، مفاهیم و دال‌های نمادین تاریخی و ادبی تقویت می‌نماید. با براندازی گفتمان خسروانی آل اینجو توسط امیرمبارزالدین مظفری و ایجاد گفتمان جزمی‌گرایانه وی دیوان حافظ با تولید عنصر نمادین محتسب در شبکه‌ای از تداعی‌های منفی به تعارض و مقابله با آن برمی‌خیزد. با اینهمه با تعدیل گفتمان شریعت‌مدارانه مظفری توسط فرزندان امیرمبارزالدین یعنی شاه شجاع و فرزندان، متنی برای تبادل و همجواری گفتمان شریعت‌مدارانه‌ی مظفری و گفتمان خسروانی فراهم و دامنه آن به دیوان حافظ نیز کشانده می‌شود. در ادامه با تضعیف و افول گفتمان مظفری، این گفتمان عرصه را برای بازتولید گفتمان ترک‌مدارانه که نماینده آن تیمور لنگ است، مهیا می‌سازد. سرانجام با نویدی حافظ در اواخر عمر از گفتمان ترک‌مدارانه، در ساماندهی به وضعیت آشفته و نابسامان زمانه، آرزوی وی مبنی بر احیای گفتمان خسروانی که ناظر بر ایام جوانی حافظ است، بازتولید می‌شود.

یادداشت‌ها

۱. این انتساب به حکومت‌های باستانی و استعانت از انگاره‌های آنها، در راستای مشروعیت‌زایی، از ناحیه سید جواد طباطبایی در کتاب «درآمدی بر اندیشه سیاسی در ایران» تحت عنوان «اندیشه ایرانی‌شهری» مطرح شده است (نک: طباطبایی، ۱۳۸۷: ۳۷-۳۵).

۲. شواهد نشان می‌دهند که یک نسخه خطی از شاهنامه فردوسی در سال ۷۴۱ ه.ق. به پایان رسیده و به کتابخانه قوام الدین حسن وزیر شاه ابواسحاق اینجو تقدیم شده است (آدامووا و گیوزالیان، ۱۳۸۶: ۵۴).

پیوست‌ها

پیوست ۱- تصاویر و جداول



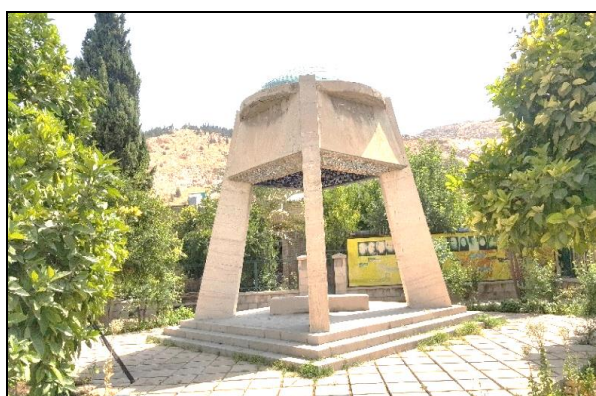
عکس شماره ۱: سکه‌های امیر مبارزالدین مظفری بعد از غلبه بر آل اینجو.



عکس شماره ۲: سکه‌های شاه شجاع مظفری.



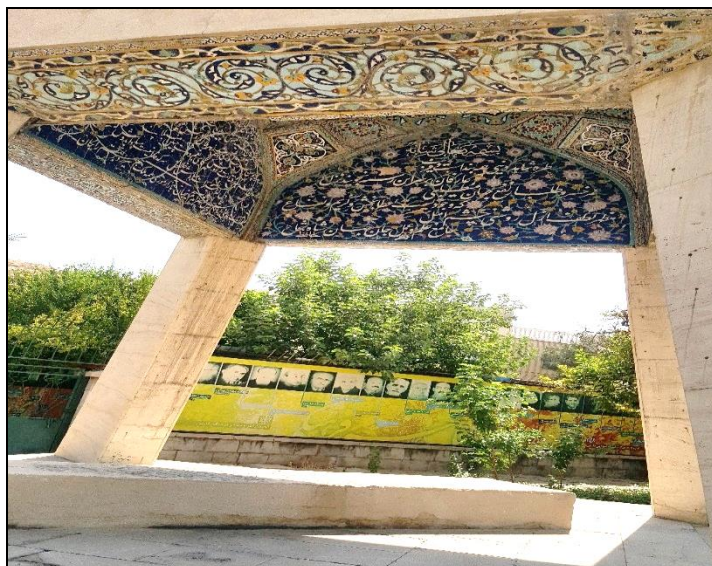
عکس شماره ۳: مقبره حافظ شیرازی



عکس ۳: آرامگاه شاه شجاع مظفری، شیراز، هفت تنان.



عکس ۴: نمای سنگ قبر شاه شجاع مظفری.



عکس ۵: نمای داخلی بقعه شاه شجاع مظفری.

مدت زمان فرمانروایی	سلسله آل اینجو (۷۵۴-۷۲۵ ق.)
۱۳۲۴ م / ۷۲۵ ق.	محمود شاه اینجو
۱۳۳۵ م / ۷۳۶ ق.	مسعود شاه فرزند محمود شاه
۱۳۳۸ م / ۷۳۹ ق.	محمد فرزند محمود شاه
۱۳۴۲ م / ۷۴۳ ق.	ابواسحاق فرزند محمود شاه
۱۳۵۳ م / ۷۵۴ ق.	سقوط سلسله آل اینجو توسط آل مظفر

جدول شماره ۱: حاکمان و سلاطین آل اینجو و دوران فرمانروایی آنان

مدت زمان فرمانروایی	سلسله آل مظفر
۱۳۱۳ق/۷۱۳هـ.م	مبارزالدین محمد
۱۳۵۷ق/۷۵۹هـ.م	شاه شجاع فرزند مبارزالدین (دوره اول)
۱۳۶۳ق/۷۶۵هـ.م	شاه محمود فرزند مبارزالدین
۱۳۶۵ق/۷۶۷هـ.م	شاه شجاع (دوره دوم حکمرانی)
۱۳۸۴ق/۷۸۶هـ.م	زین العابدین علی فرزند شاه شجاع
۱۳۸۷ق/۷۸۹هـ.م	شاه یحیی
۱۳۹۰ق/۷۹۳هـ.م	شاه منصور
۱۳۹۲ق/۷۹۵هـ.م	سقوط سلسله آل مظفر توسط تیمور

جدول شماره ۲: حاکمان و سلاطین آل مظفری و دوران فرمانروایی آنان.

کتابنامه

الف. منابع فارسی

- آدامووا، ا. ت و ل. ت گیوزالیان. (۱۳۸۶). **نگاره‌های شاهنامه**. ترجمه زهره فیضی. تهران: فرهنگستان هنر.
- آژند، یعقوب. (۱۳۸۸). «**تعامل فرهنگ‌های ایرانی، ترکی و اسلامی در سده هشتم و نهم قمری**». تاریخ ایران شماره ۵/ ۶۰. صص: ۱۶-۱.
- ابن بطوطه. (۱۳۷۶). **سفرنامه ابن بطوطه (رحله بن بطوطه)**. جلد ۱. ترجمه: محمدعلی موحد. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

- بحرانی پور، علی؛ زارعی، سیده زهرا. (۱۳۸۹). «**خاستگاه‌های اقتدار و مقبولیت اجتماعی سلسله آل اینجو، ۷۵۴-۵۷۲۵ ق.**». فصلنامه تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا (س). سال بیستم. دوره جدید. شماره ۸. پیاپی. صص: ۵۳-۲۹.
- پاینده، حسین. (۱۳۹۷). «**خوانش متن به مثابه‌ی تاریخ‌گرایان نوین (تحلیل گفتمان‌های سووشون)**». مطالعات فرهنگی و ارتباطات. شماره ۵۳. صص: ۳۹-۱۱.
- پین، مایکل. (۱۳۸۶). **فرهنگ اندیشه انتقادی از روشن‌فکری تا پسادرنیته**. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: مرکز.
- تایسن، لیس. (۱۳۸۷). **نظریه‌های نقد ادبی معاصر**. ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی. تهران: نگاه امروز، حکایت قلم نوین.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۹۴). **دیوان حافظ**، براساس نسخه غنی و قزوینی. به کوشش: رضا کاکایی دهکردی، چاپ ۶، تهران: ققنوس.
- خسرویگی، هوشنگ؛ صادقی‌فرد، مژگان. (۱۳۹۷). «**بررسی بنیان‌های مشروعیت حکومت آل مظفر (۷۹۵-۷۱۳ ق)**». مطالعات تاریخ اسلام. سال دهم. شماره ۳۹. صص: ۴۹-۲۷.
- خیراندیش، عبدالرسول. (۱۳۸۰). «**ترک شیرازی، گذری و نظری بر ترکان در عصر حافظ**». کنگره یادروز حافظ؛ حافظ‌پژوهی. دفتر چهارم. به کوشش جلیل سازگار نژاد. شیراز: مرکز حافظ‌شناسی.
- رئیس‌السادات، تهمنه؛ عباسی، جواد؛ مرادی‌نسب؛ حسین. (۱۳۹۰). «**نقش آل مظفر در تمدن اسلامی**». تاریخ در آینه پژوهش. شماره دوم. صص: ۱۰۶-۸۳.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد. (۱۳۸۱). **مجمع‌الانساب**. دو مجلد. محقق و مصحح: میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.

- شجاع شیرازی، (۱۳۵۶). *انیس الناس*. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنگاه ترجمه و کتاب.
- سانتو، ایوان. (۱۳۸۷). «جام‌های برنجی از فارس در بوداپست». مجموعه چکیده مقالات گردهمایی مکتب شیراز. تهران: فرهنگستان هنر.
- طباطبایی، جواد. (۱۳۸۷). *تاریخ اندیشه سیاسی در ایران*. تهران: کویر.
- عبدالرزاق سمرقندی، کمال‌الدین. (۱۳۸۳). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*. ۴ مجلد. مصحح: عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- عبید زاکانی. (۱۳۹۳). *کلیات*. تصحیح، تحقیق، شرح و ترجمه حکایات عربی از پرویز اتابکی. تهران: زوار.
- غنی، قاسم. (۱۳۸۳). *بحث در آثار و افکار و احوال حافظ؛ تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارس و مضافات و ایالات مجاوره در قرن هشتم*. به علاوه مقدمه به قلم استاد علامه قزوینی. جلد ۱. چاپ ۹. تهران: زوار.
- فتحی، حسین. (۱۳۹۱). «بررسی نقاط ضعف و قوت خوانش غزلی از حافظ طبق رویکرد تاریخ‌گرایی قدیم». ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی. دانشگاه شهید بهشتی و انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی.
- کتبی، محمود. (۱۳۶۴). *تاریخ آل مظفر*. مصحح: عبدالحسین نوایی. تهران: امیرکبیر.
- کشاورز بیضایی، محمد و فرود کشاورز بیضایی. (۱۳۹۸). «تحلیلی بر معرفت تاریخی حافظ». مجله مطالعات ایرانی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان سال ۱۸. شماره ۳۹.

- معین‌الدین یزدی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۲۶). *مواهب الهی*. جلد ۱ با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی طهران: اقبال.

- میرزا بابازاده فومشی، بهنام؛ خجسته پور، آدینه؛ (۱۳۹۴). «*خوانش متفاوت متون کلاسیک فارسی در پرتو تاریخ‌گرایی نو*». مجله متن پژوهی ادبی. شماره ۶۳. صص: ۱۸۲-۱۶۱

- میلانی، عباس. (۱۳۸۰). *تجدد و تجدیدستیزی در ایران*. تهران: اختران.

ب. منابع انگلیسی

- Abrams, m. h. and Geoffrey Galt Harpham. (2005). *Aglossary of literery terms*, Athed. Boston, MA: Thomson wadsworth.
- Bressler, Ch.E. (1994). *Literary Criticism: An Introduction to Theory and Practice*. Englewood Cliffs: Prentice Hall.
- Limbert, John, (2004), "*shiraz the age of hafez*", London: university of Washington
- RABINOW. P. (1985). *The Foucault reader*, edited by Paul Rabinow, New York, pantheon books.

References

- Abrams, M. H. & Harpham, G.G (2005). *A Glossary of Literary Terms*, Athed. Boston, MA: Thomson, Wadsworth.
- Adamova, A., & Gyozyalyan, L. (2007). *The Paintings of Shahnameh*. Translated by Zohreh Feizi. Tehran: Iranian Academy of the Arts. (In Persian)
- Azhand, Y. (۲۰۰۹). Cultural Interaction between Iranian, Islamic and Turkish Cultures in Shiraz between the Eighth and Ninth Centuries. *Iran History*: No. 60/5, pp. 1-16. (In Persian)

-
- Bohranipour, A., & Zarei, Z. (2010). Origins of authority and social acceptance of the Al-Inju dynasty, 754-725 AH. *Quarterly Journal of Islamic and Iranian History*, Al-Zahra University. Twentieth Year. New Period. No. 8, pp. 53- 29. (In Persian)
 - Bressler, Ch.E. (1994). *Literary Criticism: An Introduction to Theory and Practice*. Englewood Cliffs: Prentice Hall.
 - Fathi, H. (2012). Studying the weaknesses and strengths of reading a lyric from Hafez according to the old historical approach. *Sixth National Conference on Literary Research*, Shahid Beheshti University and the Scientific Association of Persian Language and Literature. (In Persian)
 - Hafiz, S. (2015). *Hafiz Divan*, based on Qani & Qazvini version. Efforts by Kakaei Dehkordi, Sixth Publication, Tehran: Phoenix Press. (In Persian)
 - Ibn Battuta. (1997). *The Rihla*, Vol. 1. Translated by Mohammad Ali Movahed. Tehran: Book translation and publishing Institution. (In Persian)
 - Katbi, M. (1985). *History of Al-Muzaffar*. Revision by AbdolHossein Navaei. Tehran: Amir Kabir Press. (In Persian)
 - Keshavarz, M., & Keshavarz, F. (2019). The Study of Historical Knowledge in Works of Hafez. *Journal of Iranian Studies*, Shahid Bahonar University of Kerman, Year 18. No. 39. (In Persian)
 - Khosrowbeagi, H., & Sadeqifard, M. (2018). Examination of The Legitimacy of Al-E-Muzaffar Dynasty (713-795 AH). *Journal of Historical Studies of Islam* Vol. 10(39), pp. 27-49. (In Persian)
 - Kheirandish, A. (2001). Turk Shirazi; A passage and theory on the Turks in the era of Hafez. *Hafez Memorial Congress; Hafiz Research*. Fourth Book. Efforts by Jalil Sazegar Nejad. Shiraz: Hafiz Study Institute. (In Persian)
 - Limbert, J. (2004). *Shiraz in the age of Hafez*, London: university of Washington.

-
- Milani, A. (2001). *Modernity and Anti-modernity in Iran*. Tehran: Akhtaran. (In Persian)
 - Mirzababazadeh Fomeshi, B., & Khojastehpour, A. (2015). Different Readings of Classical Persian Texts According to New Historicism. *Journal of Literary Text Studies*. No. 63. pp. 161-182. (In Persian)
 - Moin al-din Yazdi, J. (1947). *Divine Gifts*, Vol. 1, Revision and Introduction by Saeed Nafisi. Tehran: Eqbal Press. (In Persian)
 - Payandeh, H. (2018). Reading Texts as A New Historicity Analyzing the Discourses of Savushun. *Cultural Studies & Communication*. No. 53, pp. 11-39. (In Persian)
 - Payne, M. (2007). *The Culture of Critical Thinking from the Intellectual to the Postmodern*. Translation by Payam Yazdanjoo. Tehran centre. (In Persian)
 - Qani, Q. (2004). *Discussion on the works and thoughts of Hafez; History of the Hafez's Era or the History of Persia and Neighboring States in the eighth Century*. Introduction by Allameh Qazvini, Vol. 1, Ninth Publication. Tehran: Zavar Press. (In Persian)
 - Rabinow, P. (1985). *The Foucault Reader*, edited by Paul Rabinow, New York: Pantheon Books.
 - Raissadat, T., Abassi, J., & Moradi Nasab, H. (2011). The Role of Al- Mozaffar in Islamic Civilization. *Tārikh dar Āyene-ye Pazhuhesh*. Vol. 8(2), 30, pp. 83-106. (In Persian)
 - Samarqandi, A. (2004). *Matlah Saadin and Majma Bahrain*. Four Volumes. Revision by Abdolhossein Navaei. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (In Persian)
 - Santo, I. (2008). *Brass Cups of Persia in Budapest*. Abstract collection of articles of Shiraz school meeting. Tehran: Iranian Academy of the Arts. (In Persian)
 - Shabankarei, M. (2002). *Majma Al-Ensab*. Two Volumes. Researched and edited by Mir Hashem Mohades. Tehran: Amir Kabir Press. (In Persian)

- Shoja Shirazi (1977). *Anis al-nas*, Efforts by Iraj Afshar. Tehran: Book translation and publishing Institution. (In Persian)
- Tabatabaei, J. (2008). *History of Political Thought in Iran*. Tehran: Kavir Press. (In Persian)
- Tayson, L. (2008). *Theories of Contemporary Literary Criticism*. Translated by Maziar Hosseinzadeh & Fatemeh Hosseini. Tehran: Negah Emrooz Press. (In Persian)
- Ubayd Zakani. (2014). *Poetical Works*. Revision, Research and Translated by Parviz Atabaki. Tehran: Zavar Press. (In Persian)